



حدیث غدیر

امامت امام علی

و معصومین

جواد خزمی

علی علیه السلام را به عنوان وصی خود (آنچنان که شیعیان می گویند) و یا به عنوان محبوب جامعه اسلامی (آنچنان که اهل سنت می گویند) معرفی نموده و در نتیجه تاریخ مصرف آن گذشته باشد، بلکه در غدیر خم تاریخ کل بشریت رقم خورد؛ چرا که امامت امامان در طول تاریخ مطرح و تبیین شد؛ حقیقتی که از امیر مؤمنان علیه السلام آغاز می شود و به مهدی صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد. مخالفان نیز این را به خوبی فهمیده اند؛ لذا از همان آغاز

سرچشمه هستی جهان مست علی بود پیمانۀ عشق ازلی مست علی بود می خواست نبی دست خدا را بفشارد دستی که خدا داد به او دست علی بود^۱ در سال دهم هجرت، بعد از اتمام حج (حجة الوداع) در «غدیر خم» قبل از جحفه حادثه ای رخ داد که می توانست سعادت ابدی بشریت را تضمین کند و برای همیشه، انسانها را از ضلالت و گمراهی نجات بخشد. به این جهت، داستان غدیر یک قصه تاریخی خاص نیست که زمان آن گذشته باشد و همین طور یک حادثه شخصی نیز نیست که پیامبر اکرم فقط

۱. اصول مذاحی، ج ۱، ص ۶۷۸

تلاش کردند (و در حدیّی موفق شدند) که داستان غدیر را تأویل و توجیه نمایند؛ چرا که اگر فقط امامت امیر مؤمنان مطرح بود، ممکن بود به نوعی آن را پذیرا شوند، ولی از آنچه ترس داشتند و دارند، ادامه کار، و تداوم امامت و ولایت در طول تاریخ است که سخت مخالفان را خلع سلاح می کرده است. بنابراین، به سختی در مقابل آن قرار گرفتند و از اوّل زیر بار نرفتند تا جلوی استمرار آن را نیز بگیرند.

شبهه آن چیزی که در فدک اتفاق افتاد، که از اوّل زیر بار سخنان فاطمه زهرا علیها السلام نرفتند تا ناچار به پذیرش سخنان منطقی بعدی آن بانو نشوند.

ابن ابی الحدید به این نکته اشاره دارد، آنجا که می گوید: از استاد بزرگ و مدرس بغداد (علی بن الفار) پرسیدم: آیا زهرا علیها السلام در ادعای خود [در مورد داستان فدک] راستگو بوده؟

استادم گفت: بلی!

گفتم: خلیفه می دانست او زنی

راستگوست؟

گفت: بلی!

گفتم: پس چرا خلیفه حق مسلم

او را در اختیارش نگذاشت؟ در این موقع، استاد لبخندی زد و با کمال وقار گفت: اگر آن روز سخن او را می پذیرفت، و روی این جهت که او یک زن راستگو [و معصومه] بود، بدون در خواست شاهد، فدک را به وی باز می گردانید، فردا او از این موقعیت به سود شوهر خود علی استفاده می کرد و می گفت: خلافت مربوط به شوهرم علی است، و او در این موقع، ناچار بود خلافت را به علی تفویض کند؛ زیرا او را (با این اقدام خود) راستگو دانسته بود، ولی خلیفه برای اینکه باب تقاضا و مناظرات بسته شود، او را از حق مسلم خود ممنوع [و محروم] ساخت.^۱

همین قصه درباره امامت تکرار شد؛ از اوّل زیر بار «الف» امامت نرفتند تا از «با» و «تا» و... نیز شانه خالی کنند. آنچه پیش رو دارید، اثبات اجمالی این ادعاست که در خطبه

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۸۴؛ ر.ک: پژوهشی عمیق پیرامون زندگی علی علیه السلام، جعفر سبحانی، نشر جهان آرا، ص ۳۱۳-۳۱۴.

غدیر، ماندگارترین سند امامت، اثبات امامت تمامی امامان دوازده گانه علیهم السلام مطرح است، نه فقط امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام.

دوازده امام در منابع اهل سنت

در آغاز لازم است این نکته را یادآور شویم که انتخاب امامان دوازده گانه با نام و نشان به امر الهی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص به منابع شیعه ندارد، بلکه در منابع اهل سنت نیز روایاتی در این زمینه وارد شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

الف. روایاتی که امامان را دوازده نفر

معرفی می‌کند

۱. در صحیح مسلم از جابر بن سمره نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْأَيُّرَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزًا إِلَيَّ إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً... كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛^۱ پیوسته امر امامت خواهد بود با وجود دوازده خلیفه... که همگی آنان از قریش می‌باشند.»

۲. شعبی از مسروق نقل کرده که مانند عبدالله بن مسعود نشسته بودیم، در حالی که او برای ما قرآن می‌خواند.

مردی به او گفت: آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدید که چند نفر بر این امت خلافت خواهند کرد؟ عبدالله در جواب گفت: بلی، ما پرسیدیم «فَقَالَ إِثْنَا عَشَرَ بَعْدَ نُبُوَائِي بَنِي إِسْرَائِيلَ؛^۲ پس فرمود: دوازده نفر به تعداد پیشوایان بنی اسرائیل.»

در صحیح بخاری نیز آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يَكُونُ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا... كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ؛^۳ بعد از من [برای امت] دوازده امیر خواهد بود که همگی آنها از قریش هستند.»

ب. روایاتی که به اسم ائمه تصریح

دارند

علاوه بر منابع بی‌شمار شیعه، در مدارک اهل سنت نیز (با همه کتترللهایی که انجام پذیرفته) روایاتی داریم که در آنها به نام مبارک ائمه اطهار علیهم السلام

۱. صحیح مسلم، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۱۴۵۳.

۲. مسند احمد حنبل، مؤسسة الرسالة، ج ۶، ص ۳۲۶؛ ر. ک: مجمع الزوائد، هیشمی، دار الکتاب العربی بیروت، ج ۵، ص ۱۹۰؛ مسند ابوبعلی موصلی، دار المأمون، بیروت، ج ۸، ص ۴۴۴.

۳. صحیح بخاری، دار احیاء التراث العربی، ج ۹، ص ۱۰۱.

حجت [خدایی] و پدر نه حجت از نسل خود هستی که نهمین آنها قائم آنهاست.»

هر چند با تأسف باید گفت که عده‌ای از راویان و مورخان اهل سنت برای سرپوش گذاشتن بر واقعیات از نقل این گونه روایات فرار کرده‌اند، و برخی از آنها بی هم که نقل کرده‌اند، توجیهات غیر قابل قبولی برای آن ارائه نموده‌اند؛ در حالی که احادیث فوق و مشابه آن جز با عقائد شیعه اثنا عشری با هیچ عقیده و مذهبی سازگاری ندارد.

تصریح به امامت امامان در خطبه

غدیر

آنچه نوعاً در اذهان مردم حتی شیعیان جا گرفته این مطلب است که در غدیر خم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط امیر مؤمنان علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خود انتخاب کرد، در حالی که آن حضرت بر امامت تمامی امامان

تصریح شده است که به دو مورد اشاره می‌شود:

۱. جوینی نقل کرده که نعتل یهودی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: از وصی خود به ما خبر بده؛ چرا که برای تمامی پیامبران وصی و جانشین بوده است، و نبی ما یوشع بن نون را وصی خود قرار داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: همانا وصی و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام و بعد از آن دو، نه امام دیگر از صلب حسین علیه السلام هستند. نعتل می‌گوید: ای محمد صلی الله علیه و آله نام آن نه نفر را برایم بگو! پیامبر هم نام یکایک آنها را بیان کرد.^۱

۲. خوارزمی از سلمان نقل می‌کند: به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شدیم که حسین علیه السلام در آغوش او بود. چشمان او را بوسید و فرمود: «**اِنَّكَ سَيِّدُ اَبُو سَادَةَ، اِنَّكَ اِمَامُ اَبْنِ اِمَامٍ اِنَّكَ حُجَّةُ اَبْنِ حُجَّةٍ اَبُو حُجَجٍ تَسَعَةَ مِنْ صُلْبِكَ، نَسَبُهُمْ قَائِمُهُمْ**»^۲ به راستی تو سید و پدر سادات هستی، تو خود امام و فرزند امام هستی، تو خود حجت و فرزند

۱. فرائد السمطين، جوینی، بیروت، مؤسسة المحمودی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. مقتل الحسين علیه السلام، خوارزمی، مکتبة المفید، قم، ج ۱، ص ۱۴۶.

شما رساندم، بیدار باشید! که من آشکار کردم، بیدار باشید! که به راستی خدای عزیز و جلیل فرمود و من نیز از طرف خدای عزیز و جلیل گفتم.»

الله اکبر از این همه تأکید و سبحان الله از مردمی که این گونه قضایا را انکار کردند.

۲. امامت در نسل پیامبر ﷺ

در فرساز دیگری از خطبه غدیر فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقِيْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ يَشْهَدُ؛^۱ ای مردم! من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خود تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من ابلاغ کردم آنچه را مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند.»

۳. قرآن و معرفی امامان

در ادامه خطبه می فرماید: «مَعَاشِرَ

تصریح کرد؛ آن هم در بخشهای متعدد خطبه غدیر که به نمونه‌هایی اشاره می شود.

۱. امامت در ذریه علی ﷺ

«... ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَرَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَرَثَةِ إِبْنِي يَوْمَ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ؛^۱ سپس بعد از من علی ولی شما و امام شما به فرمان خداست. سپس امامت در نسل من از فرزندان علی ﷺ تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید، می باشد.»

در فرساز دیگر فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَرَثَتِي هُمُ الثَّقَلَيْنِ الْأَصْغَرَيْنِ... أَلَا إِنَّهُمْ أَمْسَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ، أَلَا وَقَدْ آدَيْتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْصَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ ای مردم! به راستی علی ﷺ و پاکانی از فرزندانم، ثقل اصغر هستند...

بیدار باشید! آنها امینان خدا در میان خلق خدا هستند، و فرمانروایان خدا در روی زمین. بیدار باشید! به حقیقت من انجام دادم، بیدار باشید! که من رساندم، بیدار باشید! که من بگوش

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ ر. ک: عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی، ج ۱۵، ص ۳۷۶-۳۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۹.

۳. همان، ص ۲۱۱.

در یک زمان با من دست دهید، و خدای عزیز و جلیل دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم به آنچه از امارت مؤمنین برای علی علیه السلام و امامانی بعد از او که از من و از او هستند، منعقد نمودم، طبق آنچه به شما اعلام کردم که فرزندان من از نسل او هستند.»

آن‌گاه دستور داد که این‌گونه بیعت کنید: «أَنَا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَأَمْرٍ وُلِدَهُ مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ بُنَا بِعَكَ عَلِيٌّ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّتِنَا وَآيَدِنَا، عَلِيٌّ ذَلِكَ نَحْيًا وَتَمُوتُ وَتَبْعُثُ، لَا نَعْبِيزُ وَلَا نَبْدُلُ وَلَا نَشْكُ وَلَا تَرْتَابُ وَلَا تَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَلَا نَنْقُضُ الْمِثْقَالَ وَنُطِيعُ اللَّهَ وَنُطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْأَيْمَةَ الذَّهَبِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صَلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ؛^۱ به راستی ما شنیدیم و اطاعت می‌کنیم و راضی هستیم در مقابل آنچه از پروردگار ما و پروردگارت به ما درباره علی و فرزندان او از امامان رساندی. بر

النَّاسِ الْقُرْآنَ يَعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ وَعَرَفْتَكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»^۲ أَوْ قُلْتُ: كُنْ تَضِلُّوْا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمْ؛^۳ ای مردم! قرآن معرّفی می‌کند که امامان بعد از او (علی) فرزندان او هستند و من نیز به شما فهماندم که آنان از [نسل] من و او هستند، آنجا که خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: «کلمه پاینده‌ای در نسل او» و من گفتم: اگر به آن دو (قرآن و ائمه) تمسک کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید.»

۴. گرفتن بیعت برای همه امامان

غالباً تصور بر این است که در غدیر خم فقط برای علی علیه السلام بیعت گرفته شد، و حال آنکه حضرت دستور داد به نام تمامی امامان دوازده‌گانه بیعت گرفته شود، و این درخواست را در چند قسمت خطبه مطرح نمود. در یکجا می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ كُنْتُمْ أَنْكُرْتُمْ مِنْ أَنْ تُضَافِقُونِي بِكَلْفٍ وَاحِدَةٍ فِيهِ وَقْتٍ وَاحِدٍ وَآمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِفْرَازَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ إِفْتَرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلِيٌّ [مَا] أَعْلَمْتُمْكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِهِ؛^۴ ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و

۱. زخرف/ ۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۵.

۳. همان، ص ۲۱۵.

۴. همان.

در غدیر خم تاریخ کل بشریت رقم خورد؛ چراکه امامت امامان در طول تاریخ مطرح و تبیین شد؛ حقیقتی که از امیر مؤمنان علیه السلام آغاز می شود و به مهدی صاحب الزمان علیه السلام منتهی می گردد.

بعد از بیان مقام و شأن و منزلت
حسین علیه السلام مجدداً فرمود: «فَقُولُوا أَطَعْنَا
اللَّهَ بِذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ
الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَمِيثَاقًا مَا خُودًا...»^۱
پس بگویند خدا را در این [خلافت] و
تو و علی و حسن و حسین و امامانی را
که نام بردی، اطاعت می کنیم به عنوان
عهد و میثاق گرفته شده...»

خدایا پیامبر صلی الله علیه و آله از آینده چه
می دانست که این همه بر گرفتن بیعت
و عهد تأکید می کرد! و از چهره برخی
منافقان و کج اندیشان چه خوانده بود
که این همه بر عدم تخلف از بیعت
سماجت و اصرار می ورزید!

آینده ای نه چندان دور، حق را به
پیغمبر داد، و دغدغه و نگرانی او را
درست و به جا اعلام کرد؛ درست بعد
از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن گاه که در
سقیفه جمع شدند و گفتند: چه کسی
باید خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد!
واعجباً از این همه خیره سری و نادیده
گرفتن واقعیات!

اما پیامبر صلی الله علیه و آله و وظیفه داشت

۱. همان، ج ۳۷، ص ۲۱۹؛ ر.ک: عوالم، ج ۱۵،
ص ۳۲۸-۳۲۹؛ الغدیر، ج ۱، ص ۴۰-۹۹.

این [خلافت] با دلها و جانها و زبانها و
دستهایمان بیعت می کنیم و بر همین
[بیعت] زندگی می کنیم و می میریم و
زنده می شویم. تغییر و تبدیل [در این
بیعت] ایجاد نمی کنیم و شک و تردید
به خود راه نمی دهیم، و [هرگز] از
عهدی بر نمی گردیم و این میثاق [و
پیمان] را نقض نمی کنیم، و خدا و تو و
علی امیر مؤمنان و فرزندان او را که امام
هستند، اطاعت می کنیم؛ همان
فرزندانی که یادآور شدی از ذریه تو از
نسل علی بعد از حسن و حسین علیه السلام
هستند.»

إِنَّهُ الْمَذْرُوكُ بِكُلِّ قَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ
التَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ؛ آیا مردم! به راستی من
نبی، و علی وصی من است. بدانید که
آخرین امامان ما مهدی قائم است.
بیدار باشید او غالب بر اساس دین، او
انتقام گیرنده از ظالمین، او فاتح قلعه‌ها
و منهدم کننده آنها، و کشنده هر
قبیله‌ای از اهل شرک است. اوست که
انتقام دوستان خدای عزیز و جلیل را
می‌گیرد و دین خدا را یاری می‌کند.

و در ادامه فرمود: «اوست که از
دریای عمیق [معرفت] آب بر می‌دارد،
و هر صاحب فضل را با فضلش و
صاحب جهالت را با جهلش قسمت
می‌دهد. بیدار باشید! او برگزیده خدا،
وارث هر علم، و محیط به آن است.
اوست که از خداوند خبر می‌دهد...
اوست حجت باقی مانده که بعد از او
حجتی نیست و حق جز در نزد او
یافت نشود، و نوری جز با او نیست.
اوست پیروز شکست‌ناپذیر و ولی
خدا و حاکم الهی در میان خلق در روی
زمین....»

مأموریت الهی خویش را به وجه
احسن و اتم انجام دهد، لذا باز در ادامه
خطبه فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ
بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَالْحَسَنَ وَ
الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ علیهم السلام كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً، يَهْلِكُ
اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَيُزَحِّمُ مَنْ وَفَى؛^۱ ای مردم!
پس، از خدا بترسید و با علی امیر
مؤمنان و حسن و حسین و امامان علیهم السلام
به عنوان کلمه پاکیزه باقیه، بیعت کنید!
هر کس حيله کند، خداوند او را هلاک
می‌کند و هر کس وفا کند، مورد
رحمت الهی قرار می‌گیرد.»

۵. اعلان برنامه خاتم الاوصیاء علیهم السلام

پيامبر دورانديش و آینده‌نگر
اسلام نه تنها خط امامت را در طول
تاریخ ترسیم کرد، و بر پایبندی به آن از
مردم بیعت گرفت، بلکه حسن ختام
هستی را که با آخرین وصی او و
ظهورش تحقق می‌یابد نیز به مردم آن
زمان، بلکه به بشریت گوشزد نمود و با
صوت جلی فریاد کشید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ
إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ، أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا
الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ، أَلَا إِنَّهُ
الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ، أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ
هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشَّرْكِ، أَلَا

۱. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۲.

۲. همان، ص ۲۱۴.

بعد از من علی ولی شما و امام شما به فرمان خواست. سپس امامت در نسل من از فرزندان علی علیه السلام تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات کنید، می باشد.

مهاجران و انصار و بقیه مردم، بعد از آنها به ترتیب منزلت بیعت کردند. در پایان، جا دارد به ژرف اندیشی علامه امینی از عمق جان تحسین گفت که آن همه برای حدیث و خطبه غدیر و تبیین منابع و روایات و شاعران آن سرمایه گذاری کرد؛ چرا که او به خوبی فهمیده بود که جریان غدیر خلاصه تاریخ بشریت و تعیین سرنوشت آدمیت در طول تاریخ است و غدیر خم اثبات امامت و ولایت امامان معصوم علیهم السلام برای تمام انسانهاست.

۱. همان، ص ۲۱۷؛ الغدیر، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. همان دو مأخذ پیشین.

۶. رستگاری در گرو اطاعت از امامان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخش پایانی خطبه را با این جملات تزیین بخشید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَالِيًا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا؛^۱ ای مردم! هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم، اطاعت کند، به رستگاری بزرگ دست یافته است.»

راوی در ذیل خطبه چنین نقل می کند: «فَنَادَتْهُ الْقَوْمُ: نَعَمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا أَمْرَ اللَّهِ وَأَمْرَ رَسُولِهِ بِقُلُوبِنَا وَالسِّنِّينَا وَأَيْدِينَا وَ تَدَاكُوعَا عَلِيٍّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِيٍّ عَلِيٍّ علیه السلام وَ ضَاقُوا بِأَيْدِيهِمْ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ ضَاقَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْأَوَّلُ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثُ وَ الرَّابِعُ وَ الْخَامِسُ، وَ بَاقِي الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ بَاقِي النَّاسِ عَنِ الْخِرْمِ عَلِيٍّ قَدَرٍ مَنَّا زِلِهِمْ...^۲ پس مردم [یکصد] گفتند: بله، فرمان خدا و رسولش را با دل و زبان و دستمان شنیدیم و اطاعت کردیم، و [آن گاه] بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام [برای بیعت] هجوم بردند و دست دادند، و اول کسانی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند، اولی و دومی و سومی و چهارمی و پنجمی بودند، و باقی